

وگنیسم و سوسیالیسم لازم و ملزوم یکدیگرند

دیوید سوانسون



ترجمه‌ی عرفان رشیدی



موضوع وگنیسم همچنان موجب دودستگی و بالا گرفتن بحث و جدل در میان چپ‌ها می‌شود. اغلب در میان لیبرال‌های پرزرق و برق و صلح‌دوستان، که با چرخ‌دستی‌هایشان در شعبه‌های محلی (فروشگاه) ویت‌روز Waitrose می‌چرخند، روایتی ظهور کرده است که وگنیسم ارتباط تنگاتنگی با سبک زندگی قشر مرفه دارد. بخش‌هایی از جریان غالب رسانه‌ای صنایع دامپروری و کشاورزی خوشحال هستند که این بحث را در تلاش برای لکه‌دار کردن جنبش، که منجر به سردرگمی و تحریف معنای واقعی وگنیسم شده است، می‌پذیرند و ترویج می‌کنند. یکی از بزرگ‌ترین بی‌عدالتی‌های عصر ما انقلابی که سریعاً در حال رشد است، نادیده گرفته شده و حتی در جمع‌های رادیکال خودمان نیز مورد بی‌مهری قرار می‌گیرد.

کنشگران وگن به شکلی خستگی‌ناپذیر معایبی را که نظام سرمایه‌داری به آن مشهور است افشا می‌کنند. این جنبش کاملاً با مبانی سوسیالیسم سازگار و در واقع مبتنی بر آن شکل گرفته است. تشکیل کارزار برای کنترل صنعتی فاسد که از زندگی روزمره‌ی افراد حداکثر بهره را می‌برد، رویه‌ای اساسی است. تهییج برای رهایی قربانیان نردبان استثماری که توسط نفوذ اقتصادی شکل گرفته، اقدامی روزمره است.

وگنیسم با به چالش کشیدن مستقیم این رسم یکپارچه که زندگی برخی مهم‌تر از دیگران است، خود را با کارزارهای رادیکال در طول تاریخ همسو می‌کند.

شناخته‌شده‌ترین جنبه‌ی وگنیسم عدم مصرف گوشت و سایر محصولات حیوانی است. این به‌خودی‌خود از جهاتی بیش از آنچه که اغلب تصور می‌شود عملی انقلابی است. واضح‌تر از همه، نشان می‌دهد که با حیوانات به‌عنوان کالایی رفتار می‌شود که برای پول پرورش یافته و کشتار شده‌اند.

وگن‌ها با امتناع از خرج کردن پول‌هایشان برای حمایت از این صنعت، منافع غیراخلاقی را حذف و سودهای فاسد را از بین می‌برند و این درک و فهم را تقویت می‌کنند که حیوانات نیز ساکنان این سیاره‌اند و به‌اندازه‌ی ما حق آزادی دارند. با این حال، عدم مصرف این محصولات اهداف دیگری دارد که مظهر ارزش‌های سوسیالیستی است.

بخشی از ما در چپ رادیکال آشکارا علیه نابرابری‌های توزیع جهانی غذا اعتراض می‌کنیم. تحریم صنعت دامپروری یکی از پایدارترین روش‌ها برای انجام این کار است. مثالی قانع‌کننده این‌که، برای تولید یک پوند گوشت گاو ۱۳ پوند غلات لازم است. وقتی این آمار در چارچوب جامعه‌ی سرمایه‌داری مورد بررسی قرار می‌گیرد، به واقعیتی ترسناک و تهوع‌آور تبدیل می‌شود. اگر تمام غلاتی که در حال حاضر برای تغذیه‌ی دام در اروپا استفاده می‌شود برای مصرف انسان در دسترس باشد، می‌تواند بیش از ۸۰۰ میلیون نفر را تغذیه کند.

در دنیایی که ۲۰ میلیون نفر بر اثر سوءتغذیه جان خود را از دست می‌دهند، صنعت دامپروری که توسط سرمایه‌داری حمایت می‌شود، مسئول این مرگ‌هاست. با در دسترس قرار دادن منابع گیاهی مختص صنعت دامپروری برای انسان، گرسنگی جهانی از بین رفته و به تاریخ خواهد پیوست.

در حالی که این استدلال‌ها به‌تنهایی باید سوسیالیست‌ها را به مشروعیت و گنیسم متقاعد کند، جنبه‌های زیاد دیگری از جنبش وجود دارد که نشأت گرفته از گرایش‌های رادیکال است.

یکی از جالب‌ترین شیوه‌های مبارزه‌ی کنشگران وگن این است که به‌طور مداوم وارد زمین‌های متعلق به مزارع و شرکت‌ها می‌شوند تا از اقدامات غیراخلاقی این صنعت فیلم‌برداری و از آن مستند تهیه کنند. این امر به‌طور مداوم آژیتاسیون چپ را به نمایش می‌گذارد - الغای مالکیت خصوصی.

یکی از اصول اساسی سوسیالیسم این است که زمین و وسایل تولید متعلق به مردم است نه اشغالگران کنونی. صنعت دامپروری این موضوع را در معرض دید عمومی قرار می‌دهد. گروه کوچکی از سرمایه‌داران با حمایت میلیارد‌های ثروتمند و پلیس ایالتی، از کارگران و حیوانات در زمین‌هایی بهره‌کشی می‌کنند که در حقیقت باید متعلق به شهروندان عادی باشد.

وگن‌ها به‌طور علنی توسط دامپروران مورد تهمت قرار می‌گیرند و به‌عنوان متجاوز شناخته می‌شوند چرا که ماهیت سرمایه‌دارانه‌ی صنعت دامپروری را نمایان می‌کنند. برخی به‌دلیل جسارت به چالش کشیدن این هنجارهای منسوخ شده با اتهام جرم روبرو

هستند. این وظیفه‌ی چپ رادیکال است که به‌گرمی از این مبارزه استقبال و بر این اساس به آن کمک کند.

شاید رایج‌ترین اتهام وگنیسم این باشد که صرفاً بر رهایی حیوانات تمرکز می‌کند و در عین حال رنج و استثمار انسان را نادیده می‌گیرد. باید به این موضوع رسیدگی کرد.

صنعت دامپروری که ریشه در اندیشه‌ی سرمایه‌داری دارد، ضعیف‌ترین و آسیب‌پذیرترین افراد جامعه را برای تکمیل اهداف خود شکار می‌کند. یک مثال بارز در این مورد، کارگران کشتارگاه در سراسر جهان هستند که اغلب پناهندگان اسکان داده شده با وضعیت اقتصادی ضعیف هستند. آنها با فرار از کشورهای جنگ‌زده که توسط امپریالیسم غربی ویران شده‌اند، توسط همان دفاتر ملی مهاجرت که سرزمین‌شان را ویران کردند مورد استثمار قرار می‌گیرند.

سرمایه‌داران از موقعیت فرودست آنان به‌عنوان ابزاری برای چانه‌زنی استفاده می‌کنند. ورود به دنیای غرب اغلب مشروط به پر کردن پست‌های خالی صنعتی است که بسیاری از شهروندان همان کشورها از مشارکت در آن امتناع می‌ورزند. این امر منجر به قدرت بسیار کمی در مذاکره می‌شود، محیط‌های یخ‌زده و شرایط کاری بسیار سخت باعث صدمات بسیار و سطوح بالاتری از PTSD (اختلال اضطراب پس از سانحه) از نظر درصد نسبت به کسانی است که در ارتش کشور خود خدمت می‌کنند.

صنعت دامپروری از طریق این اقدامات، پیش‌نیاز اصلی نظام سرمایه‌داری را تامین می‌کند. غیرکارگران حاصل دسترنج تمام طبقه‌ی کارگر را می‌دزدند و اصرار بر آن دارند که وارثان واقعی ثروت هستند. وگن‌ها تلاش می‌کنند تا این نقص ذاتی را در جامعه از بین ببرند. رهایی تمامی گونه‌ها همچنان خواسته‌ای بنیادی است.

علاوه بر این، اثرات مخربی که صنعت دامپروری بر محیط‌زیست تحمیل می‌کند، این پتانسیل را دارد که زندگی را به‌شکلی که می‌شناسیم به‌شدت تغییر دهد. روزانه دو هکتار از جنگل‌های بارانی برای حفظ تقاضا برای محصولات حیوانی پاکسازی می‌شود، فرایندی که باعث از بین رفتن ۹۱ درصد از جنگل‌های بارانی آمازون شده است.

یک گوشت‌خوار ۱۸ برابر بیشتر از یک وگن به زمین نیاز دارد. شاید در یکی از ترسناک‌ترین آمارها، برنامه‌های پرورش بیش از حد دام مسئول ۵۱ درصد انتشار گازهای گلخانه‌ای جهانی است.

اگر این آمارهای نگران‌کننده کنترل نشوند، به ناپودی سیاره‌ی ما کمک خواهد کرد. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که تنها در ۴۰ سال آینده، تغییرات اقلیمی بیش از ۱۵۰ میلیون پناهنده ایجاد خواهد کرد. برای جلوگیری از این امر باید اکنون واکنش نشان دهیم.

از آن جایی که دامپروری نقش اصلی را در این فاجعه دارد، باید از کارزار تحریم آن با ایجاد یک جبهه‌ی متحد با جامعه‌ی وگن استقبال کنیم. پیام واضح است - وگن‌ها متوجه هستند که مجموعه‌ای از افراد نمی‌تواند با تغییرات اقلیمی مبارزه کند، باید به‌طور جمعی سازمان‌دهی کنیم. به‌جای دعوای داخلی، باید متحد شویم تا علیه کسانی که بیشترین مسئولیت را دارند اعتراض کنیم.

این روند نه‌تنها نشان‌دهنده‌ی همبستگی با برادران و خواهران آسیب‌پذیرتر ما در سطح بین‌المللی در نبرد برای حفاظت از جوامع بومی‌شان است، بلکه مستقیماً شکاف‌هایی را که نولیبرالیسم بر جامعه‌ی ما تحمیل کرده است، موردتعرض قرار می‌دهد.

به‌طور خلاصه، وگنیسم نه‌تنها با چپ‌سازگار است، بلکه ریشه‌ای محکم در مبانی سوسیالیستی دارد. باید آن را پذیرفت و تشویق کرد زیرا بسیاری از مسائل درون جنبش به‌طور طبیعی با کارزارهای جاری همسو می‌شوند.

این جنبش رادیکال و همواره در شتاب، به دور از کارزارهای ایدئولوگ‌های خاص و صاحب امتیاز، پیوسته بر قلب سرمایه‌داری ضربه می‌زند. رهایی نوع بشر و نبرد برای سوسیالیسم به‌عنوان کاری ناتمام باقی مانده است، اما چپ رادیکال می‌تواند یک متحد و همراه قابل‌اعتماد در جامعه‌ی وگن پیدا کند.

از طریق آموزش، تهییج و سازمان‌دهی می‌توانیم دنیای بهتری ایجاد کنیم که در آن همه، چه انسان و چه غیرانسان، فرصت‌های برابر برای شکوفایی داشته باشند.

پیوند با منبع اصلی:

<https://morningstaronline.co.uk/article/veganism-and-socialism-go-hand-hand>